



عبدالاحمد فیض

## شناخت رزمندگان مسلح از منظر حقوقی!

در جنب شناخت دولت و حکومت ب‌مثابه دو عنصر سیاسی و حقوقی، شناسائی رزمندگان مسلح یا شبه نظامیان شورشی یکی از مباحث حایز اهمیت و در عین زمان جنجال برانگیز در حقوق بین المللی معاصر پنداشته میشود. ازدید تاریخی بعد از جنگ دوم و شکست فاشیزم در مقیاس جهانی بود که زمینه های مناسبی برای قیام های انقلابی و ظهور مبارزان ملی ضد استعاری در سرزمینهای تحت اشغال فراهم شده و موجب گردید تا شناسائی و تثبیت وضعیت حقوقی مبارزان ملی و پیکارجویان بومی که علیه استعماری رزمیدند در پرتو منشور سازمان ملل متحد واصل حق تعیین سرنوشت مطرح گردد. فلذا بر بنیاد هنجارهای حقوق بین المللی، خلقهای که برای رهای از سلطه استعمار، تجاوز و اشغال می رزمند ب‌مثابه رزمندگان مسلح مشروع از حق شناسائی برخوردار بوده و شخصیت حقوق بین المللی را کسب مینمایند.

لذا علی الرغم توصیف مبارزان ملی بحیث شخصیت بین المللی، آنچکه در حقوق بین المللی وضاحت چندانی ندارد، تثبیت وضعیت حقوقی ابهام آمیز پیکارجویانی است که در برابر رژیم و حاکمیت‌های داخلی خویش رزمیده و راه رسیدن به قدرت را با توسل بزور در پیش گرفته و با شعار عدم مشروعیت دولت مرکزی مبارزه مینمایند و درین مرحله است که نحوه موضعگیری و شیوه برخورد دولتها ب‌مثابه تابعان عمده حقوق بین المللی نسبت به وضعیت حقوقی جنگجویان اهمیت ویژه کسب نموده و از حساسیت های نهایت مهم برخوردار میگردد زیرا در همین فرصت خواهد بود تا عده ای از دولتها تلاش خواهند ورزید تا در محورا اهداف سیاست خارجی خویش (منافع ملی) از نضج گیری چنین جنبش های مسلحانه به سود خود بهره برداری ابرازی نموده و با تسلیح و اعطای مساعدتهای مالی از وجود ستیزه جویان در نبرده های نیابتی در راستای اهداف ملی شان استفاده نمایند.

بدیهی است که گروههای مسلح در حین پیشبرد مقاصد جنگی شان علیه حکومت مرکزی سعی مینمایند تا با تأمین و برقراری روابط با دولتها و سایر نهاد های خارجی خود را ب‌مثابه یک نیروی مؤثر مطرح نموده و با جلب حمایت های خارجی در راستای شناسائی خویش بحیث یک نیروی جایگزین عمل نمایند، لذا عده ای از دولتها با توجه به این امر که شناخت چنین تشکیلات مسلح بسود آنها خواهد بود بدون تأخیر سعی در جهت شناسائی خواهند نمود که از منظر حقوقی چنین شناخت که بدون عطف توجه به ماهیت و چگونگی عملکرد و اقدامات رزمندگان مسلح که در برابر دولت مرکزی می‌جنگند صورت می‌گیرد مسوولیت دولت ثالث را در قبال اقداماتی مطرح می‌سازد که از سوی گروه مسلح انجام می‌یابد

با توجه به پراتیک موضعگیری دولتها درقبال برسمیت شناختن گروه های مسلح شورشی ، دونوع شناخت درتنظیم روابط فی مابین دولتهای ثالث وجنگجویان قدرت طلب بیشترینه تعمیم یافته است : شناخت بمثابه طرف مخاصمه مسلحانه وشناسائی بعنوان نماینده مشرع مردم.

درشناخت مبارزان مسلح بحیث طرف مخاصمه ، ساختارماهوی وتشکیلاتی، منابع تمویل گروه جنگی، رعایت ونیز پابندی آنها به اصول پذیرفته شده بین المللی وبویژه تمکین گذاشتن به قواعد بین المللی جنگ ازاهمیت قابل توجه بر خوردارمیگردد فلهدا بتأسی ازاصول حقوق بین المللی تشکیلات مسلح درگیربایست لزوماً حاوی ویژه گی های ذیل باشد:

- الف- مبارزان مسلح دارای رهبری منسجم وواحد باشد، زیرا عدم یکپارچگی چنین گروه ها تعدد گروپهای مسلح و رهبری غیرواحد به تعریف آنها به گروه یاغی میانجامد.
- ج- شورشیان به معیارهای جهانشمول حرمت گذارد.
- د- رزمندگان مسلح قواعد جنگ را رعایت، ازگروگاتگیری، ارتکاب اعمال تروریستی، نسل کشی وخشونت دربرابراتباع ملکی پرهیزد.
- ح- گروه مسلح ازاستقلال عمل برخورداربوده ودرراستائی اهداف بیرونی نه جنگند. ب- باید به کنترل واداره مؤثربخش ازقلمروکشوردرگیرمنازعه فایق آیند.

فلهدا شناسائی گروه مسلح درعدم مشخصات فوق درمنازعات داخلی درپرتوارزشهای حقوق بین المللی درحکم مداخله آشکاردرامورداخلی کشوردرحال جنگ تلقی میگردد.

هكذا بایست تصریح نمود که شناخت مبارزان مسلح بمثابه طرف مخاصمه باعث ایجاد وضعیت حقوقی خاص یعنی وضعیت مخاصمه غیربین المللی گردیده ومبتنی براصول حقوقی جهانشمول به بیطرفی دولت ثالث منتهی می گردد وبدان معنا خواهد بود که همکاریهای تسلیحاتی به هر دو طرف درگیرویا بیکی ازطرفهای منازعه (دولت مرکزی یا گروه مسلح) موجبات نقض بیطرفی را فراهم نموده وموجب مسوولیت دولت کمک کننده میگردد، استثنای که درین زمینه وجود دارد این است که شناسائی گروه مسلح بعنوان طرف منازعه مانعی را درراستای اعطای مساعدتهای مالی ایجاد نخواهد نمود.

شناخت شورشیان مسلح بمثابه نماینده مشروع مردم نوع دیگری شناسائی است ، این شناخت به رزمندگان مسلح ضد حکومتی مشروعیت بخشیده وباعث ایجاد وضعیت بین المللی جنگ میگردد مشروط براینکه رزمندگان مسلح حمایت طیف وسیع مردم کشورش را با خود داشته وبربخش های قابل ملاحظه کشورتسلط کامل خویش را حفظ نمایند. فلهدا آنچه که شناخت بعنوان طرف مخاصمه وشناسائی بمثابه نماینده مشروع مردم را ازهم تفکیک مینماید همانا کسب حق نمایندگی توسط پیکارجویان درمجامع ونهاد های جهانی وتوجیه اعطای کمک های خارجی به چنین گروه مسلح بوده میتواند.

لازم به یادمانی است که شناخت گروه مسلح همانند دولت وحکومت به دوشیوه یعنی قانونی یا (دوژوره) وعملی یا (دوفکتو) انجام خواهد شد بنابراین هرگاه شناخت درچارچوب شروط حاکم (دوژوره یاقانونی) تحقق یابد بدون تأخیر موجب لغو شناخت دولت مرکزی گردیده وبه قطع مناسبات سیاسی منجرمیگردد.

درپراتیک شناخت جنگجویان مسلح با درنظرداشت پیامدهای آن تئوریه‌ها و نظریات گوناگونی را به همراه داشته است ، منجمله اوپن هایم معتقد است که هرگاه مساعی یکدولت درجهت سرکوب مخالفان مسلح بی نتیجه باقی مانده ویا از سرکوب آنها عاجزباشد دولتها حق دارد به شناسائی گروه متحارب مبادرت ورزند که این تئوری با اصل عدم مداخله وحق حاکمیت دولت درتناقض قرارمیگیرد.

درنتیجه میتوان بوضوح اذعان داشت که معیارشناخت گروه های جنگی درحقوق بین المللی که موجب مشروعیت آنها میگردد کسب حمایت مردمی، اعمال حاکمیت بربخشهای معین وقابل ملاحظه کشور، عدم وابستگی به محافل خارجی ، وجود ساختاروررهبری واحد ، عدم ارتباط به منابع مجهول ورعایت قواعد ومعیارهای بین المللی جنگ است، فلهدا تشکیلات جنگی که با نقض هنجارهای بشردوستانه وبا توسل به ابزارهای رعب ودهشت درراستای کسب قدرب وسرنگونی حکومت مرکزی مبارزه مینماید جنگجویان یاغی خوانده میشود که حمایت وشناخت آنها موجب مسوولیت دولت ثالث میگردد.

چکده ها:

۱-بایسته های حقوق بین الملل اثردکتورموسی زاده.

۲- تأملی بروضعیت شورشیان نوشته یاسرضیائی.